



۶۹

سوسیالیسم امروز

۱۴ مهر ۱۳۹۷ - ۶ اکتبر ۲۰۱۸

www.simroz.org

S_zijji@yahoo.se

سرمدیه: سلام زبیدی

**گفتگوی رفیق کامران پایدار درباره
موقعیت کنونی جنبش کارگری
و آترناتیو کارگری-سوسیالیستی**

صفحه ۴

**گفتگوی با رفیق زاگرس ابراهیمی
در باره تشدید فشارهای امنیتی جمهوری اسلامی**

صفحه ۳

**وظایف محوری جنبش ما،
و نقش فعالان کارگری و سوسیالیست در این دوره**

صفحه ۱۳

**در حمایت از اعتصاب رانندگان کامیون
و علیه بازداشت آنها به میدان بیاییم!**

صفحه ۹

علیه جنایت اعدام به میدان بیاییم!

صفحه ۱۱

**برخوردهای پلیسی-امنیتی-قضایی با اعتصاب
کامیون داران را محکوم می کنیم!**

صفحه ۹

جنایت دیگر علیه کارگران مرزی (کولبران)

صفحه ۱۰

**باز هم یاوه گویی و
دروغ بافی
حسن روحانی**

ابراهیم باتمانی

حسن روحانی، این "رئیس جمهور" یکی از فاشیستی ترین نظامهای مذهبی و سرمایه داری، طبق معمول با وقاحت و بیشرمی تمام در روز دهم مهر ماه به یاوه گویی و دروغ پردازی پرداختند و مدعی شدند که با مشکل ارز و کمبود مواد خوراکی و نیازهایی روز مره مردم روبرو نیستند!، این رئیس حقه باز و شیاد فرمود، اینها تبلیغات ضد انقلاب و استکبار جهانی و مخالفین نظام میباشد! نگران نباشید حتی از تمام سالهای گذشته اوضاع بهتر است!

این آخوند شکم سیر سرمایه دار آنچنان به حقه بازی و وارونه جلو دادن واقعیت ها عادت دارند، بدون ذره ای خجالت کشیدن می آیند در این شرایط مملو از بحران و فقر و گرسنگی و بیکاری و اعتراض و اعتصاب، که با نیروی سرکوب نظامش جلوش را گرفته اند، طوری وانمود میکند که همه جا گل و بلبل است. بله تردیدی نیست که همه جا گل و بلبل هست برای شما حاکمان مفتخور و جنایتکار. و دقیقاً به همین دلیل است که زندگی و امنیت و آزادیهای جامعه را به جهنمی برای اکثریت شهروندان تبدیل کرده اید. گویا در این مملکت مملو از ثروت و سرمایه، که با زور و فریب در اختیار گرفته اند، هیچ کس بیکار نیست، گرانی سرسام آوری وجود ندارد،

صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!

باز هم یاوه گویی و ...

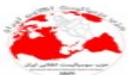


دارو رایگان است، کارتون خواب، گور خوابی، تن فروشی، بی خانمانی، خودکشی، کودکان کار و خیابانی، به گرو گرفتن حق و دستمزد ده‌ها میلیون کارگر و خانواده زحمتکش، اعدام و بگیر و ببند بی وقفه، زندان، شکنجه کتک کاری هر روزه دستفروشان از جانب لپنه‌های شهرداری و کشتار هر روزه کولبران و غیره جود ندارد. انگار که حجاب اجباری و شلاق زدن و اعتصابات و اعتراضات هر روزه کارگران و کم بود آب آشامیدنی وجود ندارد، انگار پوچ شدن ارزش پول ایران و همزمان گران شدن دویست برابر قیمت بیشتر اقلام مایحتاج زندگی واقعی نیست! و گویا کودکان و جوانان میلیونی آن کشور در رفاه و امنیت به سر می‌برند و از آینده روشنی برخوردارند، لابد این خدا پرستان سینه زن و حقه باز نمی‌فهمند که شکم گرسنه و بی پولی و بی مسکنی و بیکاری و تن دادن به اعتیاد و خودکشی و غیره، که بانی کلیه این مشقات خودشان هستند، یعنی چی! و بلاخره در این اوضاع میبینیم رئیس جمهور فاسد و دزد منتخب یک حکومت فاسدتر و سر دسته دزدهای تاریخ نظام اسلامی و سرمایه داری می‌ایند و بیش‌مانه میگویند "ما مشکل نداریم". این فقط دروغ گفتن نیست، توهمین به شعور کل جامعه است!

آقایان، روحانی و خامنه‌ای! شما عجب آدمهای بی حیا و عناصر کثیف و جانی هستید! مثل اینکه از بچگی نافتان را با دروغ و شبیادی و دو دوزه بازی بریده‌اند. سرمایه عظیم باد آورده ناشی از دست رنج کارگران و محرومان و منابع مالی و طبیعی آن جامعه در دستان خونین خود قبضه کرده‌اید، خودتان و خانواده تان با ناز و نعمت در خارج و در داخل کشور زندگی خدای می‌کنید. به هیچ بنی احدی هم جواب پس نمی‌دهید! و همزمان می‌دانید که بقای حاکمیت شما دقیقاً در گروه وجود همین فقر و گرسنگی و سرکوب و یاس و ناامیدی ممکن شده است که شما آگاهانه آنرا تحمیل کرده‌اید. ولی خودتان هم میدانید که دروغ بافی های امروزتان ناشی از هذیانگویی بر آمده از وحشت واقعی از جامعه ای است که اکثریت آن آرزوی به گور سپردن فوری تک تک شما و نظام کثیفتان را دارند.

جناب روحانی، ای امید اصلاح طلبان و اعتدال گرایان و نماد حقه باز کلیدساز، ای نماینده کنونی بیت رهبری و کاسه لیسه های خود فروخته و مرتجع مقیم ایران و خارج کشور! این را به شما میگوئیم اگر همین "شیطان بزرگ" امریکا و نیروهای ارتجاعی دست راستی "ایرانی" شبیه خودتان در داخل و خارج کشور دوباره به دانتان نرسند، ما کارگران، زحمتکشان، زنان و جوانان سرکوب شده پوزه تان را به خاک می‌مالیم! در میان خشم عمیق فرو رفته چهل ساله طبقه کارگر و ده‌ها میلیون زن و جوان زجر کشیده کل بساط تان را در هم خواهیم کوبید.

خوب میدانید که کارگران، رنج دیده گان، زنان، جوانان، ازادخواهان، برابری طلبان، انسانهای شرافتمند، فعالین سیاسی و اجتماعی، معلمان، دانشجویان و دانش آموزان مترقی شما را قبول ندارند و از حکومت عدل الهی تان متنفرند و از آن عبور کرده‌اند. هر روز با چشمان خودتان اعتراضات و خشم و انزجار مردم لب به جان رسیده علیه همان واقعیت‌های که شما دارید انکارش می‌کنید، در کل کشور می‌بینید. این جنبش، جنبش گورکنان شما میباشد. با تامین اتحاد و رهبری و آگاهی طبقاتی بیشتر و روشن بین تر این مبارزه و صف، این روند به سوی سرنگونی انقلابی شما جنایتکاران بطور جدی تری گام بر میدارد. در این نبرد نهائی کارگران سرکوب شده و صف سوسیالیستی ازادخواهان، که هر روز در این مسیر درس و آزمون بهتری کسب می‌نمایند به رهبری کمونیستها و حزب سوسیالیست انقلابی ایران حکومت جنایتکارانه و ننگین و ضد انسانی شما را سرنگون خواهد کرد. ننگ بر شیدان اسلامی دروغگو! مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



iransocialist2017@gmail.com

www.simroz.org

۰۰۳۳۷۵۸۰۷۸۴۱۰ / ۰۰۴۷۹۲۸۳۱۳۷۶ / ۰۰۴۶۷۶۲۳۴۹۶۸۳



حزب سوسیالیست انقلابی ایران، حزب طبقه کارگر، حزب جنبش رهایی زن، و حزب جوانان پرشور و انقلابی و همه انسانهای مبارز و سوسیالیست است. نیاز واقعی جامعه ایران و ضرورت سازماندهی مبارزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ملیت‌انگاری علیه وضع موجود و برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و همه ارکان مذهبیش ضرورت اولیه سازماندهی چنین حزبی را برای جنبش ما ایجاد کرده است.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران همه کارگران و زحمتکشان، همه مبارزان راه آزادی و برابری را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند!

حزب سوسیالیست انقلابی را به دوستان خود معرفی کنید. در اشکال مختلف تاسیس حزب انقلابی خود و آرم و آدرسهای تماس با آن را در مراکز کارگری و میادین شهرها و محلات پخش کنید. در هر جا که هستید چه به شیوه فردی چه با تشکیل محافل و گروههای مورد اعتماد خود به عضویت حزب سوسیالیست انقلابی در بیایید.

از هر راهی که از نظر امنیتی مناسبتر میدانید با حزب تماس حاصل نمایید.

زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی!، زنده باد سوسیالیسم!، مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

گفتگوی سوسیالیسم امروز با رفیق زاگرس ابراهیمی در باره تشدید فشارهای امنیتی جمهوری اسلامی



میتوان هم کارگران و زحمتکشا
ن را نسبت به پایمال شدن حقوق
خود آگاه کرد و هم از

این طریق خط مشی به مبارزات کارگری جامعه ایران داده شود که در صورت اجرایی شدن این طرح مبارزات کارگری در ایر
ان منسجم و ضربه ناپذیر خواهد شد و روند فعالیت احزاب چپ د
ر ایران نیز پیشرفت چشم گیری به خود میبندد در غیر این صور
ت نمیتوان انچنان که باید بر ضد سیاست های این
رژیم و جو های امنیتی و نظامی و الحاق حقوق کارگران و زحم
ت کشان جامعه قدم مثبت بزرگی برداشت

سوسیالیسم امروز: در همین رابطه فراخوان شما به کارگران و
زحمتکشان و مردم مبارز و منجز از جمهوری اسلامی
چیست؟

زاگرس

ابراهیمی: پیام من خطاب به کارگران و زحمت کشان جامعه ایر
ن و بخصوص مبارزان راه سوسیالیسم این است که دقت داشته ب
اشند حکومت شیخ و شاه (اسلامی- و ناسیونالیستی/
شونیستی) هیچ تفاوتی به حال ما ندارد و چنان که در تاریخ نیز
مشاهده کرده ایم در هر دو حکومت تنها قشری که
همیشه مورد ظلم و ستم قرار گرفته است قشر کارگران و زحم
ت کشان جامعه ایران بوده است و آزادیخواهان و سوسیالیستها و
غیره سرکوب شده اند. به همین دلیل نباید در هیچ شرایطی دنبال
آنها راه افتاد و اعتماد کرد. در عین حال اگر
اعتصابات یا تظاهراتی که صورت میگیرد
نباید تحت تأثیر جو محیط قرار گیرند و تنها موردی که بر آن بای
د پافشاری و تمرکز کنند الحاق حقوق خود باشد باید هر چه بیشتر
در راستای الحاق حقوق به اعتصابات خود ادامه دهند. در راه م
بارزه برای رهایی از دست این رژیم به هیچ عنوان ناامید نشوند
و جوی که رژیم خواهان آن است و سیستماتیک برای آن برنامه
ریزی میکند همان است
که تخم ناامیدی و به نتیجه نرسیدن انجام اعتصابات و تظاهرات
و مبارزات را در ذهن ما بکارد. پیگیری، استقامت و اتحاد
گسترده طبقاتی ضامن پیشرفت مبارزه و بهترین اقدام به منظور
شکستن فضا سازیهای جمهوری اسلامی است. پیوستن به حزب
سوسیالیست انقلابی ایران یک گام مهم در تقویت این مبارزه
متحد سیاسی و طبقاتی است. شما را دعوت میکنم به این حزب
پیوندید.

سوسیالیسم امروز: جمهوری اسلامی در یک بحران عمیق
سیاسی، اقتصادی و همزمان با موج اعتراضات گسترده و هر
روزه کارگری و اجتماعی روبرو است. اما با ایجاد فضا سازی
نظامی و تشدید فشارها و بازخواستها در صدد عقب نشینی
کردن به این مبارزه و جامعه است. بنظر شما چه اقداماتی باید
انجام داد تا بتوان ضمن خنثی کردن سیاست فشار سرکوب و
ارعاب رژیم به گسترش مبارزه و اتحاد و همبستگی طبقاتی
کارگران و زحمتکشان منجر گردد.

زاگرس

ابراهیمی: به نظر من زمانی که حرف از اتحاد و همبستگی طبقات
ی کارگران و زحمتکشان جامعه به میان می آید باید در وهله او
ل دید چه احزاب و جریانات سیاسی سوسیالیستی و کمونیستی ب
ر ضد رژیم حاکمه بر ایران فعالیت دارند و با تحقیق در مورد ن
وع مبارزه و استراتژی این جریانات سیاسی در مقابله با رژیم به
صورت کامل آشنا شد و بعد از شناخت دقیق از نوع سیاست و ا
ستراتژی این جریانات سیاسی که سیاست درست و مسئولانه
دنبال میکنند حتی همکاری نمود و

یا اقدام به ایجاد اتاق فکری کرد که بتوان احزاب و سازمان های
سوسیالیستی و کمونیستی که سیاست و استراتژی آنها در مقابله ب
این رژیم جنایت کار و ضد بشری همخوانی بیشتری باهم دارند
را به هم نزدیک تر کرد. از کانال این نوع همکاریها و پیشبرد
سیاست متحد کننده و به موقع راه مقابله بهتری با سیاست امنیتی
کردن فضای رژیم را نیز تامین کرد.

به همین ترتیب مبارزین کارگری و سوسیالیست داخل کشور
نیز در سطوح مختلف ضروری است در جهت همکاری و اتحاد
بیشتر گام بردارند و صف نیرومند تری علیه رژیم سازمان
دهیم. در غیر این صورت و بدون هماهنگی بین نیروها و فعالین
هم هدف و هم استراتژیک کارگری و
سوسیالیستی هر نوع سیاست تک روانه ای که از طرف هر فرد
و حزب و سازمانی که باشد به نظر من توسط رژیم به شکست
خواهد انجامید.

رهبران احزاب سیاسی و همینطور رهبران سیاسی جنبشهای
اجتماعی در سراسر
کشور باید این موضوع را قبول داشته باشند که هر کدام از آنها
به نوعی دارای پایگاه اجتماعی خاص خود هستند و با ایجاد اتحا
د در بین این نیروها و صف طبقاتی
واحد پایگاه های اجتماعی و فعال این احزاب و رهبران سیاسی
و عملی در مراکز کار و شهرهای
مختلف در داخل ایران نیز متحد عمل خواهند کرد، که این نوع
سیاست نیز با استقبال تمام کارگران و زحمت کشان جامعه رو به
رو خواهد شد. لذا مهمترین اقدامی که بتوان بر ضد سیاست ها و
جو نظامی و امنیتی که رژیم در داخل جامعه ایران در حال اجر
ای آن است انجام داد منسجم کردن مبارزات طبقاتی داخل ایران ا
ست و با ایجاد شبکه تلویزیونی و مطبوعاتی پروفشنال

تماس با سایت سوسیالیسم امروز:

info@simroz.org

تماس با دفتر خانه حزب سوسیالیست انقلابی:

iransocialist2017@gmail.com

نه به تحریم اقتصادی، نه به امریکا، نه به جمهوری اسلامی،!

گفتگو با رفیق کامران پایدار درباره موقعیت کنونی جنبش کارگری و آلترناتیو کارگری-سوسیالیستی

سوسیالیسم امروز: مبارزات کارگری در ایران در شکل بسیار گسترده ای در جریان است اما هنوز شاهد اتحاد و همبستگی که نیازمند این جنبش در دور خطیر کنونی است، نیستیم، چرا؟

کامران پایدار: ببینید این دیگر بر کسی پوشیده نیست که مبارزه ، اعتراض ، اعتصاب و تجمعات در شرایط کنونی به زبانی امر هر روز کارگران شده است . با اندک دقتی خواهید دید که ما بطور هر روزه و مداوم شاهد اینگونه اعتراضات و مبارزات کارگری هستیم . اما اینکه این سطح از اعتراضات و مبارزات کارگری مطلوب نهایی ما هست یا نه ؟ اما اینکه چرا این جنبش پایه و اساسی انقلاب کارگری و سوسیالیستی تا کنون نتوانسته قوام و جایگاه مناسب خود را باز یابد به چه فاکتورهایی و به چه عواملی مربوط و متکی است و اینکه چه باید کرد ، برای استحکام و قوام ، برای سازمانیابی این جنبش این هم به نوبه خود بحث دیگری است . اما بگویم همه اینها و بسیار موارد و عوامل دیگر در جنبش کارگری دارای رابطه و پیوند دیالکتیکی با یکدیگرند . واقعیت این است که اکثریت قریب به اتفاق مبارزات کارگری امروز جامعه ما عمدتاً مبارزات و خواسته هایی صنفی است نه سیاسی . خواستهای کارگران امروز در قیل از هر چیز دریافت دستمزد های معوقه و پرداخت نشده است ، خواست جلو گیری از اخراج و بیکار سازیها است ، قراردادهای سفید امضا و عدم امنیت شغلی هست . مسئله بیمه های خانواده های کارگری است . مسئله دستمزدهای چندین برابر خط زیر فقر آن هم بر اساس آمارهای مجعول و دروغ بانک مرکزی و حکومت اسلامی است . مسئله فقر مطلق و واقعا استیصال و درماندگی خانواده های کارگری حتی برای نان شب و نیازهای ابتدایی زندگی هست . ببینید کارگر در جامعه ما بمثابة نیروی کار ارزان امروز تحت حاکمیت و انقیاد و سرکوب و سانسور نظام سرمایه داری حکومت جانین اسلامی است . تورهای سرکوب و سانسور اطلاعات و سپاه و بسیج و شوراها اسلامی و خانه کارگر و همه مزدوران ریز و درشت حکومت در جهت سرکوب و سانسور مبارزات کارگری ، در جهت شناسایی ، اخراج و زندان و ... فعالین و رهبران کارگری بشدت در جریان است . مضاف بر اینها و مهمتر از همه اینها به تاکید باید بگویم نبود تحت حزب سیاسی و کمونیستی و تشکلهای واقعی رزمنده از جنس مجامع عمومی و شوراها واقعی و مستقل کارگری . در جوار این عدم تحت حزب چپ و کمونیستی توجه داشته باشید تشکلهای سندیکایی و اتحادیه ای انحرافی از جنس زرد و راست هم نقش خود را به نوعی اما نه چندان زیاد بر جنبش بر جای میگذارند . این تشکلهای از کمیته هماهنگی تا کمیته پیگیری گرفته ، از اتحادیه آزاد کارگران تا سندیکای فلان مرکز کارگری ، اینها عمدتاً تشکلهای صنفی کارگری هستند . اینها عمدتاً کارگران را به دوری از تحت حزب کمونیستی فراخوان میدهند البته جنبش ما تا این لحظه متأسفانه اون حزب رزمنده و پراتیکال کارگری و کمونیستی خود را ندارد (تمایل اینها بیشتر به چانه زنی با مراکز ضد کارگری حکومت سرمایه داری اسلامی در چهار چوب قانون هست . علاوه بر این تمام این تشکلهای از یک رابطه زنده و فعال و واقعی با کارگران در مراکز مختلف کار و صنعت بر خوردار نیستند . یعنی می خواهم بگویم بدنه و رهبران این تشکلهای عمدتاً فعالین سیاسی هستند که با در گذشته کارگر بوده اند و با الان دیگر بطور کامل از مراکز کارگری و قلب کارخانه ها منفک هستند .

کار عمده و رسالت اصلی این تشکلهای خصوصاً اتحادیه آزاد میشود خبر رسانی از جنبش کارگری که ارتباطی واقعی و رزمنده و عملی با آن ندارند . کار اینها میشود اعلام کمپینهای چند نفری در مقابل مراکز حکومتی ، کار اینها میشود مبارزه در باغ و باغچه ، میشود گلگشت و ... کار اینها میشود اینکه مثلاً در اول مه برونند فلان کوه و دشت و در آنجا پلاکارد سرخ رنگی را روی صخره و کوه و بیابان بیاویزند و خطابشان کوه و سنگ و بیابان باشد . این نمی شود مبارزه متشکل و متحزب کمونیستی و کارگری . این نمی شود آن سازمانیابی و سازماندهی رزمنده که هدفش سرنگونی حکومت اوباش اسلامی ، پریایی انقلاب کارگری و تشکیل فوری یک جمهوری سوسیالیستی . اینها بخودی خود و تکیه بر اینها اصلاً ابزار انقلاب نیست . اینها حتی ابزار مناسبی برای حصول خواسته های صنفی کارگری نیستند . حالا ببینید با این شرایط اوضاع تعدادی فرقه هاو احزاب گوناگون خصوصاً جریانات مدعی کمونیسم کارگری را می گویم ، از حزب کمونیست کارگری تا فرقه های رسمی و غیر رسمی حکمتیست و ... اینها را می گویم . جملگی این احزاب و جریانات سیاسی راست ، اوتورنیسم و تا مغز استخوان بویولیسیم در تبلیغات سیاسیشان آویزان و متکی هستند به همین تشکلهای به اصطلاح کارگری که گفتیم . مبارزه کارگری این احزاب می شود این که اگر ... یا ... یا چه میدانم هر کس دیگری به زندان رفت و سپس از عنوان و تصویر این شخص در نهایت بهره برداری در جهت اهداف سیاسی حزبشان پرچم بسازند . من می پرسم از شما آیا این مضحک و خنده دار نیست ؟ با همه اینها با تاکید و صراحت می گویم از نظر من هر گونه حرکت و اقدامی در سطح جنبش کارگری در هر سطحی که هست ، در جهت تشکیل یابی ، در جهت سازمانیابی کارگری چه سندیکا ، چه اتحادیه و هر ظرفی که خواهد دو نفر کارگر منفرد را یکی و متحد کند محترم ، قابل تایید و استقبال و حمایت است . اما در یک کلمه و خلاصه بگویم ظرف واقعی مبارزات کارگری تشکیل فوری مجامع عمومی و منظم کارگری و حرکت به سمت تشکیل شوراها مستقل کارگری منطقه ای و فرا منطقه ای و در سطح ماکرو و سرتاسری است و این بنا بر ضرورت و اهمیت دست همه فعالین کارگری داخل و کمونیستها ی انقلابی را می بوسد . باید به این جهت رفت تا بتوانیم مبارزات برحق کارگرمیان را به سمت تحت حزب کمونیستی و تشکلیابی سراسری کارگری هدایت نماییم .

سوسیالیسم امروز: مدتی است به درستی بحث ایجاد تشکیل شورای کارگری در برخی مراکز کارگری راه افتاده است، زمینه های پیشروی و عملی شدن آن با توجه به موانع و محدودیتهای سر راه جنبش کارگری را چگونه می بینید؟

کامران پایدار: بله ، خوشبختانه بنا به ضرورت و نیاز مبرم جنبش کارگری ما در هفت تپه و برخی دیگر از مراکز کارگری بدرستی شاهد اعلام نیاز جنبش کارگری و رهبران و فعالین کارگری برای تشکیل شورا ها هستیم . این برای جنبش ما امری بسیار حیاتی و مبرم و اساسی است . شخصاً وقتی که صحبتهای اسماعیل بخشی در هفت تپه را در مورد اهمیت و لزوم برپایی شوراهای کارگری میدیدم و می شنیدم به وجد می آمدم و احساس

گفتگو با رفیق کامران ...

ابزار نیرومند کسب قدرت سیاسی و برپایی حکومت کارگری خواهد بود. شاید بسیاری این را اتوپایی رومانیک بخوانند!! اما بگذار همگان بدانند که کارگران و زحمتکشان و بشریت متمدن امروز خصوصا در ایران برای خلاصی از گند و کثافت و تعفن سرمایه و مذهب و ناسیونالیسم و ... و برای برپایی یک دنیای بهتر، برای برپایی یک زندگی شاد و مرفه و ایمن و خوشبخت و ... سلاحی جز صف و پرچم مستقل کارگری و حزب و کمونیستی و کارگری ندارند. خطاب من به همه کارگران، فعالین کارگری داخل و کمونیستها این است رفقا به پیش با تمام توان، با بسیج همه امکانات برای تشکیل صف مستقل کارگری و کمونیستی با پرچم انقلاب کارگری که صد البته از مجرای تشکیل مجامع عمومی و شوراهای سراسری می گذرد رفقا! باید موانع را در نورددیم باید متشکل و متحد شویم البته هر چه زودتر بهتر.

سوسیالیسم امروز: شکل دادن به یک آلترناتیو کارگری و سوسیالیستی متحد و قدرتمند، یک رهبری و هژمونی واحد انقلابی و سوسیالیستی و سراسری، که نیرو و محور اصلی آن نیز نه خارج کشوری که عمدتا داخل کشوری باشد، بر بستر تحولات پر تلاطم سیاسی در ایران به یک ضرورت مبرم جنبش ما تبدیل شده است. رهبران پیشرو و سوسیالیست کارگری در راس جنبش ما بطور عملی چگونه میتوانند در شرایط کنونی ایران به این نیاز زمانه جنبش طبقه کارگر پاسخ فوری بدهند و عملا در ایجاد آن گام متحدی بردارند؟ آیا اصولا شما موافق چنین تلاشی برای ایجاد یک حزب سیاسی بزرگ سیاسی کارگری، یا به بیان دیگر، شکل دادن به یک آلترناتیو متحد کارگری و سوسیالیستی و ضد کاپیتالیستی، که برای استقرار یک نظام سوسیالیستی تلاش میکند را در این مقطع عملی و ممکن می دانید؟ اگر نه چرا؟

کامران پایدار: من بعنوان یک کمونیست همیشه و قبل از چیز در هر زمینه ای منفعت و هژمونی جنبش چپ و کارگری و کمونیستی را قابل هستم. چون هدف و خواستگاه درجه اول ما نابودی و امحای کار مزدوری و مناسبات سرمایه داری است. ما به دنبال نابودی سیستم ضد انسانی بورژوازی هستیم. ما به دنبال لغو مالکیت خصوصی و کار مزدی هستیم. ما جنبش احیای آزادی و اختیار انسان هستیم. جنبش ما کارگران و کمونیستها هیچ سنخیتی، هیچ وجه مصالحه ای، هیچ مدارایی، هیچ بده بستانی با طبقات بالایی و سرمایه دار، با ناسیونالیستها و با مذهبیین ضد جامعه در هر شکل و قالبی در هر بسته بندی ای ندارد. ما منادیان آزادی، برابری و حکومت کارگری هستیم. اینها خط قرمزهای ماست. اگر قرار است آلترناتیو و حزبی باشد، اگر قرار است مبارزه و سرنگونی حکومتی باشد از این جنس، اگر قرار است انقلابی باشد از این قاموس، اگر قرار است اتحاد و کنفرانسی باشد در این راستا و در این چهار چوب باید باشد. ما هیچ توهمی به عوام فریبی انواع احزاب و نیروهای رنگین کمونی بورژوازی نداریم.

ادامه

قدرت و غرور و افتخار، یعنی می خواهم بگویم این جرقه های اینجا و آنجا، این جرقه های جسته و گریخته رعدی در آسمان بدون ابر نیست. یعنی می خواهم بگویم اینها از اولویت و ضرورت های درجه اول مبارزات ما کارگران است. این جرقه ها راه را نشان میدهد، ستاره ای است، نوری است، پرچمی است در تاریکی و ... اما چرا سراسری نمی شود و ... این هم در جای خود به شرایطها و مسایل زیاد و گوناگونی بستگی دارد. من در پاسخ اول در باره تنگناها و فشارها، سرکوب و سانسور، انحرافات جریانات صنفی و اتحادیه ای و قانون گرا، در باره خلا وجود یک حزب جدی و دلسوز و هوشیار کمونیستی و کارگری رزمنده و پراتیکال و .. گفتم همه اینها عمدتا و هر یک به نوبه و در جای خود بعنوان مانع و بازدارنده ای در مسیر ایجاد مجامع عمومی و شوراهای کارگری عمل می کنند البته متأسفانه! علاوه بر این من شخصا بر خلاف احزاب یوپولیستی و راست چون حزب کمونیست کارگری و دیگران قایل به وجود جو و فضای شرایط انقلابی در این اوضاع و احوال ایران نیستم. من شخصا با تحلیلهای الکن و یا در هوای یوپولیستی که سالهاست هر روز وعده انقلاب را در پیچ بعدی میدهند و همه این تحلیل های یا در هواشان چیزی جز توهم و خیال در دنیای دن کیشوت ایشان است مخالفم. یکبار جنبش ارتجاعی سبز را انقلاب می نامند از جنس انسانیش، یکبار تلاطمات دیمه نود شش را انقلاب می گویند، یکبار به توهمات عوام در انتخاب عبا و عمامه رویاه بنفش آخوند روحانی دخیل می بندند و می گویند سلبی است. حالا دیگر همه ما بدرستی می بینیم که چگونه واقعتهای خشن و سرسخت پیکار طبقاتی دست رد بر سینه همه این احزاب انحرافی زده است. گفتم شرایط انقلابی، شرایط انقلابی یعنی اینکه نه دیگر بالاییها بتوانند به مانند گذشته حکمرانی نمایند و نه دیگر پایینها بخواهند و بتوانند به مانند گذشته زندگی نمایند. من فکر می کنم جامعه ما میتواند و در آستانه یک وضعیت زیر و رو کننده انقلابی هست امل فعلا نه. طوفان و سونامی شورش گرسنگان در راه است. می خواهم از بحث شرایط و اوضاع انقلابی این نتیجه را بگیرم که اگر بر ما و جامعه شرایط انقلابی حادث شود این شرایط انقلابی بعنوان کاتالیزوری عمل خواهد کرد در تشکیل و بسط سراسری شوراهای کارگری.

اما وظیفه ما کمونیستها و فعالین کارگری این نیست که در انتظار آن روز باشیم. بر عکس، شرایط بسیار فرساینده و فشارهای بسیار بیشتری که امروز سرمایه داری به زندگی و کار و معیشت خانواده های کارگری تحمیل نموده است این خودش بستری بسیار مهم و اصلی است. برای تشکیل شوراهای و مجامع واقعی کارگری. برای ما کارگران و کمونیستها مجامع عمومی و تشکیل فوری شوراهای کارگری اولویت درجه اول و مهمترین رکن مبارزات کارگری و سوسیالیستی است. مجامع عمومی و شوراهای کارگری امروز ما ابزار نیرومند ما کارگران برای مبارزه در جهت تامین و حصول خواسته های صنفیمان و در جهت مبارزه برای سرنگونی حکومت سرمایه داری اسلامی و در فردای سرنگونی حکومت اسلامی این مجامع و این شوراهای

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

گفتگو با رفیق کامران ...

برای جنبش کارگری و کمونیستی ما مفید و آموزنده باشد. اینها بیشتر به خاله خاله بازیهای سیاسی بی نتیجه مربوط است تا به یک عزم جدی و شفاف با افق و خط سیاسی روشن کارگری و کمونیستی برای تغییر و تصرف قدرت سیاسی.

شاید بگویند بیانیه داده اند و حسن ختامی رو هم نوشته اند اما به صراحت بگویم این ادعاهای مبالغه آمیز از کاغذ فراتر نخواهد رفت. ما در آستانه یک انفجار بزرگ اجتماعی و یک شرایط انقلابی هستیم. شرایطی که می رود بساط حکومت چهل ساله اسلامی را بر چیند. از هم اکنون سرمایه جهانی در تب و تاب مدیریت این انفجار اجتماعی و این شورش گرسنگان است. از یک طرف مرکز همکاری احزاب ناسیونالیستی و ارتجاعی کورد حزب دمکرات (مصطفی هجری) حزب کومله زحمتکشان به زعامت عنصر بی آبرو عبدالله مهدی جهت انجام وظیفه در هر گونه طرح سناریو سیاهی به در یوزگی دلارهای امریکایی و عربستانی افتاده اند. از یک طرف برای جریان ارتجاعی مافیایی مجاهدین برای مریم آزادی و... کنفرانس میگیرند. سلطنت طلبها و شاهپرستها در کنف حمایت امریکایی با شعار رفراندوم و دمکراسی و... در گوشه ای در کمین نشسته اند. ناگهان فرسنگرد از عرش اعلا نازل میشود مشتی از ناسیونالیستها، اصلاح طلبان و دفتر تحکیم وحدتی های رانده شده از بارگاه جنایت و فساد حکومت اسلامی و... می خواهند با رجعت به مذهب و ناسیونالیسم ایرانشان را پس بگیرند و دوباره بچاپند و... این شرایط جامعه ماست. در این اوضاع با توجه به بحرانهای لاعلاج حکومت اسلامی سرنگونی حکومت محتمل است روند فروپاشی و سقوط آغزیده است و تخلف ناپذیر. اما سرنگونی کدام سرنگونی؟ اتحاد کدام اتحاد؟ افق حاکمیتی فردا کدامین افق؟ سرمایه یا سوسیالیسم؟ آلترناتیو و اتحاد احزاب کدام آلترناتیو و کدامین احزاب؟ احتمال کودتا، احتمال و خطر هر نوع طرح سناریو سیاهی، احتمال و مخاطره انقلاب کلاه مخملی تحت عناوین پوچی چون رفراندوم، دمکراسی، جمهوری دوم ایرانی و مزخرفاتی از این دست و...

امروز جنبش کارگری و کمونیستی دوران بسیار خطیر و حساسی را از سر می گذراند. تاکید بر صف مستقل کارگری و کمونیستی، تلاش برای شکل و شکل در غالب مجامع عمومی کارگری و شوراهای سراسری قدرتمند، تلاش برای ایجاد یک تحزب واقعی کمونیستی و کارگری با پرهیز و دوری از راههای رفته و تکراری و کسالت بار گذشته با رجوع منصفانه به کمونیسم مارکس و منصور حکمت، این تنها راه کارگر و کمونیست و چپ برای هژمونی و برای کسب قدرت سیاسی و تشکیل حکومت کارگری است.

سوسیالیسم امروز: در آخر اگر پیام و یا حرف دیگری دارید بفرمایید؟

کامران پایداری: تشکر. زنده باد انقلاب کارگری!

ما به دنبال تعیین تکلیف جدی خط و مرزهای طبقاتی آنتاگونیستی و آشتی ناپذیر هستیم. از نقطه نظر منافع ما کارگران و کمونیستها شعارهای انحرافی " همه با هم " دروغ، پوچ و عوامفریبی است. اگر قرار است به واسطه انقلاب کارگری نظام تحقیر و استثمار بورژوازی را بر اندازیم چگونه میتوان با احزاب راست بورژوازی، با ناسیونالیستهای و جریانات متفرقه ارتجاعی مذهبی متحد شد؟ تاکید بر صف و پرچم مستقل کارگری و کمونیستی امر تردید ناپذیر و تخلف ناپذیر ما کمونیستها در رابطه با دیگر احزاب و جریانات سیاسی است. اگر قرار است حزب کمونیستی اجتماعی شود باید با تاکید و تکیه بر رادیکالیسم کمونیستی و سوسیالیستیش اجتماعی و فراگیر شود.

فکر می کنم حالا دیگر با این تاکیدات بتوان تعیین تکلیف نمود با مباحثی از نوع حزب کمونیستی، اتحاد احزاب و آلترناتیو کمونیستی و یا هر چیز دیگری. احزاب انحرافی بورژوازی از قبیل حزب توده الان، منظورم تا همین الان است بیش از چهل سال است این فرقه ارتجاعی شعار تشکیل جبهه متحد خلق را در دستور کارش دارد. اون زمان می گفتند تشکیل جبهه متشکل از همه نیروهای ضد امپریالیستی از جمله آخوندهای خوش خیم و پیرو خط امام خمینی و... و اما حالا می گویند تشکیل جبهه ضد استبدادی برای سرنگونی حکومت ولایی اسلامی!!

در سالهای ۲۰۱۰ کنفرانسهایی در اروپا تحت عنوان شورای همکاری احزاب چپ و کمونیست تشکیل شد این شورا تشکیل شده بود از حزب کمونیست ایران، راه کارگر، شاخه های چند نفره پاسیو و منزوی بازماندگان جنبش فدایی، حزب اتحاد و... می خواهم این را بگویم نتیجه این اتحادها چه شد؟ و به کجا انجامیده است؟ اگر دروغ نگفته باشم نتیجه کار این حضرات حتی به هیچ هم نرسیده است. فقط شعاری و شوروی و ادعایی و سپس فراموشی و آلیامر سیاسی. اخیرا چندین حزب و جریان سیاسی مدعی به " اصطلاح چپ و کمونیست " هم در استکهلم کنفرانسی تحت عنوان آلترناتیو کارگری و سوسیالیستی ممکن است بر گزار نموده اند. حزب کمونیست بخوانید ناسیونالیست آقای سید ابراهیم علیزاده، فرقه رنگین کمانی حکمتیست (رحمان حسین زاده) راه کارگر و چند شاخه چند نفره از شوالیه های منسوخ و سر خورده و از تک و تا افتاده جنبش ملی مذهبی فدایی! ببینید اینها می خواهند با این ترکیب و این ادعای بزرگ آلترناتیو کارگری و سوسیالیستی به پا کنند! من با صراحت می گویم این بادکنک دوستان یا به هوا نمی رود یا به هوا نرفته خواهد ترکید. البته فکر می کنم دومی میشود. میدانید چرا؟ به دو دلیل یکم اینکه هیچیک از این احزاب و جریانات یک حزب خوشنام و مقید به برنامه و مبنای مارکسیستی و کمونیستی نبوده و نیستند و دوما آیا مگر این احزاب و این عناوین نیرویی در سطح جامعه دارند؟ که مثلا اتحادشان بتواند منشا آثاری باشد؟؟ این تلاشها حتی برای جلوگیری از ریزش نیروهای سر خورده و سرگردان حزبی و تشکیلات نگه داری کارایی ندارد، چه رسد به اینکه بخواد بانی و باعث آلترناتیو سوسیالیستی و کارگری باشد و راهگشای انقلاب کارگری و سوسیالیسم فوری. همه اینها مثالهای تراژیک است اما می تواند

ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از دولت یک ضرورت مبرم کارگران!

چند خبر و گزارش کارگری و توده ای در هفته ای که گذشت

عزیز آجیکند



را در بر گرفته است. در نتیجه این اعتصاب سراسری که سومین اعتصاب سراسری رانندگان کامیون و کامیون داران طی چهار ماه گذشته است، بندرگاهها، جاده های بین المللی و محورهای اصلی

بین شهرها از عبور و مرور کامیون ها خلوت و صنعت حمل و نقل که یکی از زیر ساخت های اقتصاد سرمایه داری ایران است فلج شده است. دولت و دیگر نهادهای دست اندرکار حکومتی به جای پاسخگویی به مطالبات برحق رانندگان کامیون با سراسیمگی به بازداشت اعتصاب کنندگان ادامه می دهند. بنا به گزارش خبرگزاری های مختلف روز سه شنبه دهم مهرماه ۱۵ نفر دیگر از اعتصاب کنندگان دستگیر شده اند و با احتساب آمار بازداشت های قبلی شمار بازداشت شدگان از روز اول اعتصاب تاکنون به ۱۷۷ تن رسیده است. اتهام بازداشت شدگان "ایجاد اخلاق در نظم و امنیت" است.

نگرانی سندیکاهای کارگری از برخوردهای قضایی با رانندگان کامیون در ایران:

حمایت از اعتصاب رانندگان و کامیونداران

در شرایطی که در اثر سقوط ارزش ریال ۹۰ درصد از قدرت خرید کارگران کم شده، سومین دور اعتصاب رانندگان کامیون در ایران ادامه دارد. اتحادیه رانندگان جاده ای آمریکا از مقامات جمهوری اسلامی خواسته است به حقوق بین المللی رانندگان ایرانی توجه کند. فدراسیون کارگران حمل و نقل بین المللی نیز از برخوردهای قضایی با رانندگان ایرانی اظهار نگرانی کرده است.

فدراسیون کارگران حمل و نقل بین المللی با انتشار بیانیه ایی از اعتصاب رانندگان کامیون در ایران حمایت کرد.

در این بیانیه ضمن ابراز نگرانی از واکنش مسئولان قوه قضائیه رژیم در خصوص بازداشت گسترده معترضان آمده است، اتحادیه های "آی تی اف" در سراسر جهان همبستگی خود را اعلام با رانندگان و کامیوندان اعتصابی ایران اعلام می کنند و در کنار رانندگان برای مبارزه آنها در به دست آوردن مطالباتشان ایستاده اند. همچنین سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، گروه اتحاد بازنشستگان، جمعی از فعالان صنفی معلمان ایران و کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، در بیانیه ای مشترک، حمایت خود را از اعتصاب سراسری کامیون داران و رانندگان کامیون اعلام کردند و خواهان برآورده شدن فوری خواسته های آنان شدند. آنها خواستار پایان بخشیدن به سرکوب رانندگان کامیون شدند و از مقامات مسئول خواسته اند که دست از تهدید اعتصاب کنندگان بردارند.

تجمع کارگران «احیا صنعت» شرکت واگن پارس در مقابل استانداری اراک

گروهی از کارگران واحد «احیا صنعت» شرکت واگن پارس در تجمع خود مقابل استانداری اراک به واگذاری این واحد تولیدی به بخش خصوصی اعتراض کردند. کارگران می گویند شرکتی که در مزایده برنده شده صلاحیت اداره کارخانه را ندارد.

به گفته محمد حامدی، عضو شورای کارگران، این شرکت، یک شرکت دولتی است. ۱۷ سال پیش یک سایت بلا استفاده را از راه آهن گرفت و به پول آن موقع ۳۵۰ میلیون تومان هزینه

ادامه

خبرها و گزارشات کارگری این هفته را با کاهش ۹۰ درصدی قدرت خرید کارگران در ایران آغاز میکنیم...!

خبر بسیار کوتاه است و از درد و سفره خالی کارگرانی میگوید که ۴۰ سال است در سایه حکومت نگبت جمهوری اسلامی زندگی را با هزاران درد و مصیبت و بدبختی و ناداری سپری میکنند.

رایزنی های نمایندگان تشکل های کارگری با نمایندگان سرمایه داران و دولت جمهوری اسلامی و دولت جناب روحانی برای افزایش دستمزدها بدون نتیجه مانده، شورای عالی کار برای بررسی دوباره حداقل دستمزد جلسه تشکیل نمی دهد. به گفته فعالان کارگری قدرت خرید کارگران ۹۰ درصد کاهش یافته است.

مرداد ماه ۹۷ نمایندگان خانه کارگر رژیم در شورای عالی کار از توافق سه جانبه دولت، تشکل های کارگری و کارفرمایی زیر نظر ارگانهای حکومتی برای افزایش دستمزد خبر دادند. چندی بعد میزان افزایش دستمزد هم ۸۰۰ هزار تومان اعلام شد که به صورت غیرنقدی به مزدگیران پرداخت خواهد شد. بهرام حسینی نژاد دبیر سابق انجمن صنفی کارگران معدن چادرمو در پیوند با همین موضوع گفته است: شورای عالی کار حاضر به تأیید افزایش ۸۰۰ هزار تومانی دستمزدها نیست و در برگزاری جلسه تعلل می کند. او افزایش غیرنقدی ۸۰۰ هزار تومانی دستمزدها را «کافی» ندانسته و گفته است: فقیرسازی و ارزان سازی نیروی کار چه کارگر و چه معلم و چه پرستار، سیاست اصلی دولت ها در دهه های گذشته بوده است.

دولت با افزایش دستمزد مخالف است

انوشیروان محسنی بندپی سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی چندی پیش گفته بود که افزایش دستمزدها نباید موجب فشار بر دیگر بخش ها شود. او برنامه دولت برای جبران کاهش دستمزدها را توزیع «بسته حمایتی» اعلام کرده بود. با این حال بررسی توزیع بسته حمایتی نیز در هیئت دولت متوقف شده و آنگونه که یکی از نمایندگان مجلس فاش کرده؛ حسن روحانی رئیس دولت با آن مخالف است. علی ربیعی و مسعود کرباسیان دو وزیر دولت حسن روحانی تابستان امسال استیضاح و برکنار شدند. دولت برای معرفی جایگزین این دو سه ماه فرصت دارد. حسن روحانی معرفی وزیران جدید را به پس از نشست سازمان ملل موکول کرده بود.

تداوم اعتصاب سراسری کامیونداران

موج سوم اعتصاب سراسری رانندگان کامیون و کامیون داران که در پی فراخوانی از روز شنبه ۳۱ شهریور ماه در اعتراض به عدم تحقق مطالباتشان آغاز شد.

اعتصاب سراسری کامیونداران و رانندگان کامیون در بسیاری از شهرهای ایران از جمله قم، تهران، دزفول، زرین شهر، شهرضا، آباده، ایلام، اهواز، همدان، نیشابور، مشهد، اصفهان، آذرشهر، بروجرد، کنگاور، خرم آباد، مرند، ملایر، بندرعباس و استان زنجان وارد چهارمین روز خود شد. از جمله خواسته های کامیونداران "افزایش حقوق بازنشستگی و سختی کار، کاهش قیمت لاستیک و لوازم یدکی، افزایش ۷۰ درصدی نرخ کرایه، کسر حق پرداختی بیمه رانندگان، حذف دلالتان و واسطه ها از پایانها و باربری ها، و نظارت بر برخوردهای غلط و سلیقه ای مأموران راهنمایی و رانندگی و مجازات مأموران و افسران رشوه گیر" می باشد.

این اعتصاب سراسری تاکنون بیش از ۲۵۰ شهر از ۳۱ استان کشور

نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! مرگ بر جمهوری اسلامی!

چند و خبر گزارش کارگر

سلمان خان‌علیلو، زینب سکانوند و حسن حاجیلو در زندان ارومیه اجرا شد.

روز دوشنبه نهم مهرماه، زینب سکانوند از بند زنان و دو زندانی دیگر متهم به قصاص از بندهای دیگر زندان مرکزی ارومیه برای اجرای حکم اعدام به سلول انفرادی منتقل شده بودند.

رها بحرینی، پژوهشگر و مسئول بخش ایران سازمان عفو بین‌الملل در واکنش به خبر اعدام زینب سکانوند اعلام کرده بود:

زینب سکانوند در زندان ارومیه اعدام شد. سهمش از کودکی، نوجوانی و جوانی فقط ازدواج زودهنگام در سن ۱۵ سالگی، دستگیری و شکنجه در ۱۷ سالگی و ۷ سال کابوس شبانه روزی اعدام بود. مسئولیت این بی‌رحمی فقط با قوه قضاییه ضد انسانی کشور نیست، مسئولان دولت و تک‌تک نمایندگان مجلس که بعد از سال‌ها، ده‌ها اعتراض به اعدام کودکان و نوجوانان همچنان از اقدام برای اصلاح قانون مجازات در خصوص اطفال و نوجوانان سر باز می‌زنند هم کاملاً مسئول هستند. بنا بر گزارش سالانه سازمان عفو بین‌الملل، ایران به تناسب سرانه جمعیت و میزان اعدام، رتبه نخست اعدام شهروندان خود در دنیا را دارد. مرکز آمار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران هم در گزارش سالانه خود اعلام کرده بود بیش از ۶۰ درصد اعدام‌های صورت گرفته در ایران توسط دولت یا نهاد قضایی اطلاع‌رسانی نمی‌شوند که اصطلاحاً آن را اعدام مخفیانه می‌خوانند.

کشته شدن و در آتش سوختن دو برادر بلوچ.

ماموران دریابانی جاسک با شلیک به لاستیک خودرو حامل دوگالن بنزین، باعث چپ شدن و آتش گرفتن خودرو و در آتش سوختن دو برادر شدند که یکی نوجوان بود.

به گزارش کمیته فعالین بلوچ ظهر روز یکشنبه ۸ مهرماه ۹۷ ماموران اداره اطلاعات شهرستان جاسک پس از تعقیب و گریز به سمت خودرو سواری پژو که حامل دو گالن ۷۰ لیتری بنزین بود آتش گشودند که با اصابت گلوله به لاستیک چپ کرد. در جریان این تیراندازی دو برادر سلطان سینگله ۱۸ ساله و برادر کوچکش مروان سینگله ۱۲ ساله فرزندان خدابخش اهل زراباد جان خود را از دست دادند. ماموران با دیدن صحنه چپ کردن و آتش گرفتن خودرو فوراً صحنه را ترک کردند.

عظیم احمدی کولبری که امروز نگذاشتند پیش سه تا فرزند و همسرش برگردد و با تیر مستقیم مزدوران جمهوری اسلامی هدف قرار داده شد

طبق گفته‌های یک شاهد: "کاک عظیم با قاتلانش که پاسدار و جاش از پاسگاه شوشمه آمده بودند، خواست که به ما شلیک نکنند. گفت: "آخر مگر ما عمل زشتی را مرتکب شده‌ایم؟ خطایی که نکرده‌ام که آمده‌ایم در میان این کوه و سخره‌ها برای خانواده‌هایمان لقمه نانی به منزل ببریم." از چند سو به او حمله‌ور شدند جواب دادند: "از قضا برای کشتن تو آمده‌ایم!" عظیم گفت: "آخر چرا؟ فرزندان و همسر من منتظر من هستند که برایشان نانی به منزل ببرم..." کاک عظیم سخنانش را تمام نکرده بود که با شلیک چند گلوله پشت سر هم پیکر زحمتکش این پدر را بر زمین غلطاندن و خون فواره بست و صدای دیگر از او شنیده نشد.

کرد تا راه‌اندازی شود. ما هم ۱۷ سال است که در این سوله کار می‌کنیم و سایت اول تعمیرات ریلی در سطح کشور بودیم. اما به تازگی در مزایده‌های این سوله به شرکتی خصوصی واگذار شده و این برای ما جای تعجب دارد.

محمد حامدی، درباره پیامدهای واگذاری شرکت واگن پارس اراک به بخش خصوصی گفته است:

کارخانه باید ۵ میلیارد سنوات بدهد که بار مالی سنگینی روی شرکت ما می‌گذارد. احتمال تعطیل شدن بقیه مجموعه هم وجود دارد. از فردای واگذاری به شرکت جدید نیروها حق خود را می‌خواهند. ۵۰ تا نیرو با ۱۷ سال سابقه داریم که دو سه سال دیگر بازنشسته می‌شوند. حالا اگر بخواهند یک‌دفعه اخراج شوند چه لطمه‌ای به آنها و خانواده‌شان می‌خورد؟

کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران به پرداخت نشدن سه ماه دستمزد اعتراض کردند

کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران در اهواز روز سه‌شنبه در اعتراض به پرداخت نشدن سه ماه دستمزد خود در محوطه این واحد راهپیمایی کردند. مدیریت شرکت با وجود راه‌اندازی تولید و فروش محصولات تولید شده، دستمزد کارگران را پرداخت نمی‌کند. حدود چهار هزار کارگر در گروه ملی صنعتی فولاد ایران کار می‌کنند. این کارگران در ماه‌های اخیر بارها در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزد خود اعتصاب و تجمع کرده‌اند.

در میان خبرها

اعتراض و اعتصاب ده‌ها زندانی در زندان گچساران حدود ۳۰۰ تن از زندانیان محبوس به دلیل مشکلات این زندان از جمله تغذیه و بهداشت، رفتار با زندانیان و عدم اعطای مرخصی به زندانیان واجد شرایط در زندان گچساران دست به اعتراض و اعتصاب غذا زده‌اند.

زندانیان طی تماس‌های تلفنی به خانواده‌های خود گفته‌اند که اقدام اعتراضی آنها نسبت به وضعیت معیشتی خانواده زندانیان در خارج از زندان، رفتار تبعیض‌آمیز با زندانیان، عدم اعطای مرخصی به زندانیان و احکام صادره و رفتار نامناسب دادستان گچساران با خانواده زندانیان بوده است. گزارش شده است در مواجهه با این اعتراض، مسئولین زندان تهدید کرده‌اند که قصد دارند هفت نفر از زندانیان معترض را به اتهام رهبری اعتراضات به زندانهای دیگر تبعید کنند. میرمحمد میری، فعال سیاسی اهل روستای دیل در منطقه گچساران است که در تاریخ ۳۰ تیرماه سال جاری بازداشت و برای گذراندن دوران محکومیتش به زندان گچساران منتقل شده بود.

جنایت اعدام حکم اعدام ۱۰ زندانی در زندان رجایی شهر کرج، زندان مرکزی بیرجند و زندان ارومیه

سحرگاه روز چهارشنبه یازدهم مهرماه، هفت زندانی به اتهامات جداگانه ای در زندان رجایی شهر کرج و زندان مرکزی بیرجند اعدام شدند. هویت سه تن از زندانیان اعدام شده به نام‌های "یاسر اسلامی"، "محمود اکبری" و "امید خسرونژاد" روز دوشنبه نهم مهرماه جهت اجرای حکم که به اتهام قتل محکوم شده بودند به سلول انفرادی منتقل شده و اعدام شدند. هویت چهار زندانی دیگر به نام‌های "شاه محمد میران زهی"، "احمدشاه عیسی زهی"، "محمد میران زهی"، "عید محمد میران زهی" که به مرگ محکوم شده بودند، در زندان مرکزی بیرجند اعدام شدند. این افراد اتهامات وارده را در دادگاه رد کرده و مدعی شدند برای اخذ اقرارهای غیرواقعی شکنجه شده‌بودند.

همچنین روز سه‌شنبه دهم مهرماه، حکم اعدام سه زندانی به نام‌های .

برخوردهای پلیسی-امنیتی- قضایی با اعتصاب کامیون داران را محکوم می کنیم!

از روز یکم مهر ماه دور سوم اعتصاب کامیون داران و رانندگان کامیون در بسیاری از شهرهای کشور شروع شده است. به رغم این که دولت در اعتصاب های پیشین که از یک سال گذشته آغاز شده است، وعده داده بود که خواسته های آنان را محقق می کند، اما در عمل فقط کرایه بار به میزان ناچیز افزایش یافت. که با توجه به سقوط شدید ارزش پول ملی و گران شدن شدید مایحتاج زندگی، همچنین گران شدن چند برابری لاستیک و لوازم یدکی، معیشت آنان بهبود یافته و خواسته های اصلی آنان که حداقلی ترین حق تان می باشد، تامین نشده است. نظیر: افزایش درآمد برای تامین معیشت، لوازم یدکی و لاستیک، پذیرش سخت و زیان آوری شغل تان و بازنشستگی پیش از موعد، حذف دلان و واسطه ها از چرخه سرگیری که باعث کاهش درآمدشان شده و ایجاد مراکز احتیاج مناسب در طول راه ها

سی اعتصاب اخیر
برخوردهای پلیسی-امنیتی-
قضایی با اعتصاب رانندگان
کامیون بسیار تشدید شده و
تعداد زیادی از آنان را نیز بازداشت و زندانی کرده اند. تعداد بازداشت شدگان بنابر اخبار رسمی بیش از ۱۵۰ تن می باشد. و حتی مسئولین عالی قضایی رانندگان را تهدید به صدور حکم اعدام کرده اند؛ در حالی که اعتصاب، اعتراض و گردهمایی حق مسلم کارگران و زحمت کشان برای احقاق حقوق خود می باشد.

ما تشکلات مستقل کارگری، بازنشستگان، فعالان حقوق صنفی کارگری و معلمان حمایت خود را از اعتصاب حق طلبانه کامیون داران و رانندگان کامیون اعلام می کنیم و خواهان برآورده شدن فوری خواسته های آنان می باشیم. همچنین مقابله پلیسی-امنیتی-قضایی با اعتصاب کامیون داران و رانندگان کامیون را محکوم کرده و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط بازداشت شدگان و منع تعقیب و تهدید دستگاه قضایی در قبال آنان می باشیم.

– سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
– سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه
– گروه اتحاد بازنشستگان
– جمعی از فعالان صنفی معلمان ایران
– کمیته همبستگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری
۱۰ مهر ماه ۱۳۹۷

<http://vahedsyndica.com/archive/3360>

در حمایت از اعتصاب رانندگان کامیون و علیه بازداشت آنها به میدان بیاییم!

آذر کیمیا

حمل و نقل شاهرگ اقتصادی هر کشور است. جاده های پر مخاطره تنها به جدایی ادم ها نمی انجامند، گاهی هم به سبب بی انتها بودنشان سبب ساز یک اتحاد صنفی میشوند. انگار که جرقه ای در انبار کاه زده باشند صحبت از اتحاد صنفی کامیون داران است همان کسانی که امتداد جاده ها را با وقت فراوان در گرما و سرما در پی لقمه نانی می پیماند. ثابت ماندن کرایه بار، گران شدن عوارضی و لوازم یدکی با لا، بودن مخارج کامیون قطعات یدکی، از مشکلات کامیون داران است. اگر هر کامیون دار با کار پر محنت و این همه خون و دل خوردن بخواهد خرج یک خانواده را بدهد پایین بودن کرایه

بار و بالا بودن حق کمسیون شرکت های بار بری اعتراض داشته باشد، عدم نظارت سازمان راهداری بر شرکت های بار بری، این شرکتها بین ۵۰ تا ۸۰ درصد هزینه حمل را به عنوان کمسیون خود بر می دارند، و تنها نصف کرایه حمل بار را به راننده می دهند.

با توجه به هزینه های که نگهداری کامیون های مستهلک آنها دارد در نهایت سود چندانی به جیب راننده نمی رود. شرکت های حمل بار بیشترین سود را از کامیون های

انان می برند بدون اینکه ما به ازای واقعی کار سخت آنها را بپردازند. کار زیاد و دستمزد کم برای آنها معنایی جز بی عدالتی ندارد. در این شرایط آنها چاره ای جز بر گزاری دست از کار کشیدن نداشتند. ساختار حمل و نقل ما غلط است در همه جای دنیا ماشین حمل بار متعلق به شرکت است و راننده هم به استخدام شرکت در می آید تا روی ان کار کند از این رو هزینه های استهلاک ماشین را شرکت پرداخت می کند و راننده از این با بت متضرر نمی شود. در ایران اما بر عکس است و صاحب ماشین باید تاوان کمبود سفارش حمل بار و هزینه های استهلاک ماشین و غیره را بپردازد.

دور جدید اعتصاب رانندگان و کامیون داران از اول مهر آغاز شده است. بازداشت های اخیر به بهانه ایجاد اختلال صورت گرفته است و رسانه های حکومتی مدعی شدند کامیون دارانی که در اعتصاب هستند به کسانی که به اعتصاب بی توجه هستند حمله کرده و حتی کامیون آنها را آتش زده اند. ادعایی که توسط اعتصاب کنندگان رد شد و ان را توطئه حکومت برای سرکوب اعتصاب نامیدند. با این وجود اعتصاب در شهر های مختلف ادامه دارد. اکنون حکومت اسلامی برای وادار کردن رانندگان به شروع کار مجدد قریب به ۲۰۰ نفر از آنها را بازداشت نموده و در کمال وقاحت بجای پاسخوگگ بودن دستگاه رسمی کشاورزش به اسم "دستگاه قضایی" با طرح اتهامهای بی چون "افساد فی الارض" در پی صدور احکام سنگین از جمله جنایت اعدام یا حبس های طولانی بدها بازداشتی و در واقعی برای برنامه ریزان اعتصاب گسترده رانندگان و کامیونداران به میدان آمده است.

اعتصاب رانندگان یک اعتصاب اعتراض آمیز بر حق است. باید جامعه کارگری و همه شهروندان یک یکپارچه در حمایت کامیون داران و رانندگان به میدان بیاید. از آنها باید حمایت کنیم. چون درد آنها درد همه ی ما است.



یک شاهد: "کاک عظیم با قاتلانش که پاسدار و جاش از پاسگاه شوشمه آمده بودند، خواست که به ما شلیک نکنند. گفت" آخر مگر ما عمل زشتی را مرتکب شده‌ایم؟ خطایی که نکرده‌ام که آمده‌ایم در میان این کوه و سخره‌ها برای خانواده‌هایمان لقمه نانی به منزل ببریم." از چند سو به او حمله‌ور شدند جواب دادند" از قضا برای کشتن تو اومده‌ایم!" عظیم گفت:" آخر چرا؟ فرزندان و همسر من منتظر من هستند که برایشان نانی به منزل ببرم..." کاک عظیم سخنانش را تمام نکرده بود که با شلیک چند گلوله پشت سر هم پیکر زحمتکش این پدر را بر زمین غلطاندن و خون فواره بست و صدای دیگر از او شنیده نشد.



باز هم جنایت دیگر، جنایاتی که فقط ما ساکنین خاورمیانه اسلام زده و ایران ویران شده دست دو نظام جنایتکار اسلامی و شاهنشاهی را عادت داده اند تا تحملش کنیم. انسانها!! بر انسانیت خود پای بفشاریم و این نوع جنایت ضد انسانی را بیش از این بر نتابیم!



نه به جمهوری اسلامی!، نه به فدرالیسم!، زنده باد سوسیالیسم!

"نباید اجازه داد بخاطر خلاصی از لجن کثیف اسلام و جمهوری اسلامی به لجن کثیف ملی گرایانه فدرالیستها و شونیستها افتاده، نباید اجازه داد مردم آزادیخواه ایران که قریب به چهل سال است علیه یک حکومت فاشیست اسلامی مبارزه میکنند تا به آزادی و برابری واقعی نائل گردند، آن بخش عظیمی از مردم آزادیخواه که خرافه دینی و ملی گرای نتوانسته مانع اتحاد و شور مبارزاتی آنها گردد، و در ابعاد میلیونی نه تنها زندگی مشترک و خانوادگی در اقص نقاط کشور دارند، که زندگی مبارزاتی- سیاسی و منافع مشترک آنها علیه دو حکومت پهلوی و اسلامی به هويت آزادیخواهانه آنها تبدیل شده است، آنها بعد از این همه تجربه منفی و ضد انسانی در منطقه به این سادگی به این تاریخ مبارزاتی مشترک خود پشت کنند و به طرح ارتجاعی و خونین و نفرت آور فدرالیسم روی آورند و علیه همنوعان خود نفرت و تفنگ و تفرقه را جایگزین همسرنوشتی تا کنونی خود نمایند. اگر طبقه کارگر و راه حل سوسیالیستی ما و جنبش آزادیخواهانه به خطر شیوع این سموم به درستی نی نبرد، اگر نیروهای طرفدار فدرالیسم طرد و مزوری تر نکنیم، اگر با قدرت خود را برای مقابله با آن آماده ننمائیم، چنین خطری، که جمهوری اسلامی نیز یک پایه ثابت آن خواهد بود، میتواند به جامعه ما تحمیل شود و جنگ و خونریزی و سناریو سیاه بی پایانی را به ما تحمیل نمایند.

در فدرالیسم استثمار و سرکوب طبقه کارگر، ستم بر زن، نبود آزادیهای بدون قید و شرط سیاسی، فقر و بیکاری و دهها ستم و نابرابری که در نظامهای سرمایه داری از جمله در حکومتهای مانند جمهوری اسلامی اعمال شده است نه تنها با برجا خواهد بود بلکه به عنوان ستم مضاعف هم از سوی دولت مرکزی و هم "حکومت فدرال" در محل علیه شهروندان اعمال خواهد شد. خواست های روزمره مردم تحت عنوان "حکومت نو با فدرال" یا به بهانه کشمکش با حکومت فدرال مرکزی و دعوا بر سر وجب به وجب خاک برای همیشه تداوم خواهد داشت. این آن حساسیت و خطری است که باید آنرا دید و چنین سناریو و طرح ارتجاعی را از هیچ جریان و دولتی نباید پذیرفت و اجازه نداد به جامعه تحمیل کنند. ادعای شراکت همگانی در اداره جامعه و حکومت و این که گویا از راه فدرالیسم "مشکل ملی" و "مشکل اقلیتها"ی جامعه حل خواهد شد دروغهای بزرگ و شاخداری هستند که شایدان سیاسی به منظور رسیدن به مقاصد خود آنرا بخورد طرفداران نامسول چنین سناریوی میدهند.

ما یکبار دیگر همه آزادیخواهان و مبارزین راستین علیه نظام فاشیست جمهوری اسلامی را فرا میخوانیم تنها و تنها برای آزادی و برابری و برای یک جامعه سوسیالیستی و سکولار که در آن کلیه شهروندان مستقل از مذهب و ملیت و نژاد و جنسیت واقعا در همه امور کشور بطور برابر سهمیه بوده و مشارکت داشته باشند تلاش نمایند، از همه میخواستیم آترتاتیو و راحل سوسیالیستی را انتخاب نمایند و به دام ارتجاع شونیستی و ناسیونالیستی نه افتند! از همه میخواستیم با طرح ارتجاعی فدرالیسم و تقسیم جامعه بر مبنای هویتهای ارتجاعی ملی و مذهبی به

ضروری است که حول مهمترین شعارها و مطالباتی که ماهیت، هويت و هدف مبارزه انقلابی طبقه کارگر، جنبش آزادیخواهانه زنان، جوانان، فرهنگیان و کارکنان مترقی، دانشجویان و دانش آموزان چپ و سوسیالیست و توده های گسترده زحمتکشان جامعه را نمایندگی میکند متحدانه به میدان آمد و در سراسر کشور آنها را پخش و باز تکثیر نمود، اهم آنها عبارتند از:

"زندانیان سیاسی آزاد باید گردند"، **"آزادی برابری حکومت کارگری"**، **"زنده باد برابری زن و مرد"**، **"نه به اعدام، شلاق، زندان و سرکوب"**، **"نه به فقر و فساد و استثمار"**، **"نه به نیروی های مسلح حرفه ای و ضد مردمی ارتش و سپاه و بسیج و اطلاعات و غیره"**، **"نه به جمهوری اسلامی، نه به قلدری امریکا، نه به تحریم اقتصادی"**، **"نه قومی نه اسلامی نه فدرالی نه سلطنتی، مرگ بر جمهوری اسلامی"**، **"دست مذهب از زندگی مردم، دولت و آموزش و پرورش کوتاه!"**، **"آزادی بدون قید و شرط فعالیت سیاسی و تشکل و حزب"**، **"آزادی بدون قید و شرط ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از دولت"**، **"پرداخت فوری دستمزد بالای زیر خط فقر به کارگران و مزد بگیران"**، **"ممنوع شدن اخراج و بیکار سازی کارگران و مجرم دانستن عدم پرداخت به موقع دستمزد به کارگران"**، **"ممنوع بودن هر شکلی از کار کودکان"**، **"پرداخت بیمه بیکاری فوری برای همه افراد بیکار شده و آماده بکار"**، **"زنده باد آزادی، برابری، رفاه و امنیت"**، **"زنده باد جمهوری سوسیالیستی، مرگ بر جمهوری اسلامی"** **"زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی ایران"**، **"مرگ بر سرمایه داری"**، **"زنده باد سوسیالیسم"**، ...

علیه جنایت اعدام به میدان بیائیم!

سلام زیجی



ماشین سرکوب و اعدامهای گسترده در ملا عام و در خفا، و به هر بهانه ای که باشد، اساسا برای رژیم که چنین شرایط وحشتناکی را به جامعه ایران تحمیل کرده است، قرار است به همین جامعه و مردم بگوید بشینید سر جایان! به شرایط حاکم اعتراض نکنید! دستمزد و آزادی و رفاه و امنیت در شان یک جامعه انسانی را مطالبه نکنید! برابری زن و مرد ممنوع! خیال تشکل و تحزب را در سر نپرورانید! هرچه که رهبر و دولت و سپاه و سرمایه دار و آخوند و اسلام گفت همان است! آزادی یعنی آزادی در انتخاب اسلام و حکومت اسلامی، آزادی در تبدیل شدن به مزدور و قمه زن و دستگیری و کشتار و زندانی کردن آن دسته از هموعان خود که از حکومت و اسلام و قوانین وحشیانه آن اطاعت نمیکنند. اگر این زندگی را نمی پزیرید، سرتان



از چهار دیواری خانه هایتان بیرون بیورید تا سپاه و اطلاعات و نیروی انتظامی و طنابهای دار و زندانهای مملو از زندانی سیاسی و فعالین کارگری و زنان و دانشجو و روزنامه نگار و غیره رابینید، تا نشانتان بدهیم دنیا را چه کسانی اداره میکنند! اگر تکان بخورید نه فقط خودتان که حساب نزدیکانتان را نیز خواهیم رسید. این پیام اساسی این حکومت از اعمال مجازات اعدام است.

کارگران، زنان، جوانان، مردم آزادیخواه!

توقف ماشین کشتار و اعدام این حکومت جنایتکار و وظیفه ما است. مقابله با آن، اعتراض متحدانه علیه آن، ویران کردن چوبه های دار بر سربرگذار کنندگان آن، تف کردن به روی تماشاجچیان الله اکبر گوی صحنه های اعدام، بخش تفکیک ناپذیری از مبارزه انسانی، سیاسی و آزادیخواهانه علیه کلیت این نظام فاشیستی است که از روز اول با کشتار دهها هزار نفری زندانیان و مخالفین خود سر کار آمده است. شما میدانید که زندان و آدم کشی و اعدام حربه هایی به منظور تداوم عمر ننگین حاکمیت اسلامی و ابزار ضد انسانی به تمکین کشاندن شما کارگران و زنان و مردم تشنه آزادی و برابری و رفاه است.

مجازات اعدام، با هر بهانه و دلیلی باشد جنایتکارانه است و باید محکوم شود و متوقف گردد. مخالفین اعدام، اگر مخالفین راستین اعدام هستند، نباید بر چسب "ملیت" و "نژاد" و "جنسیت" و غیره به محکومین به اعدام بزنند. اعدام انسان جنایتکارانه است! هیچ ربطی به "رنگ" و "ملیت" ندارد، منتسب کردن زندانیان سیاسی و محکومین به اعدام به "کرد" و "فارس" و "بلوچ" و "ترک" و "عرب" اشتباه محض است. کسی که این اسامی و بر چسب ها را برجسته و علم میکند به اندازه نفس اعدام کردن انسانها مخرب و ضد انسانی عمل کرده است. این روایت که متأسفانه بعضا از زبان این و آن نهاد "حقوق بشری" یا حزب و جنبش قومی و مذهبی طرح میگردد به جنبش علیه اعدام آسیب میرساند و در راستای کمک به تداوم اعدام بخشی از محکومین به اعدام، و سکوت در مقابل بخش دیگری میباشد. در چنین حالتی امکان اعتراض کل مردم ایران به این پدیده وحشیانه را تضعیف و حتی منتفی

میکنند. اعدام ابزار طبقه حاکمه برای مرعوب کردن شهروندان است. همه طبقات ظالم و متکی به نظم سرمایه داری و ایدئولوژی ناسیونالیستی و فاشیستی و مذهبی در جامعه به اعدام بطور کلی و اعدام و سرکوب مخالفین خود بطور اخص نیاز دارند.

اعدام و کشتار یک پایه و رکن جمهوری اسلامی است. این رژیم همواره با ابزار اعدام و سنگسار و سرکوب و زندان تلاش کرده است از بحران های پی در پی و انزجار عظیم اجتماعی علیه خود، خود را عبور دهد. مبارزه پیگیر و گسترده علیه اعدام و ارباب از تلاش آزادیخواهان برای خلاصی از دست این حکومت جنایتکار جدا نیست. جمهوری اسلامی با اجرای مجازات ضد انسانی و شنیع اعدام سیاست مرعوب کردن مردم و به تمکین کشاندن دهها میلیون کارگر و زن و جوان منتظر از خود را دنبال کرده و میکند.

بسیار ضروری است کارگران، زنان، جوانان، فعالین سیاسی و اجتماعی، رهبران پیشرو و سوسیالیست و آزادیخواه، که خود جز قربانیان و اهداف اولیه حربه اعدام و آدمکشی این رژیم میباشند، با حساسیت به این پدیده شنیع برخورد کرده و با قدرت و همبستگی اجتماعی علیه جنایت و آدمکشی این رژیم به میدان بیایند. نباید اجازه داد جمهوری اسلامی بدون عکس العمل توده ای به ماشین آدمکشی خود ادامه دهد. جمهوری اسلامی نباید بتواند بیش از این جامعه را با ارباب و ترس و انزوا مواجه کند. جامعه ای که به این همه جنایت و خصوصا جنایت اعدام عکس العمل قدرتمندی نشان ندهد و ساکت و کم تحرک باشد، چه بخواهیم چه نخواهیم، عملا امکان قربانی شدن خود را بدست این نظام ضد انسانی و متکی به اعدام فراهم میکند، امکان میدهم تا اهداف پلید و جنایتکارانه و سیاسی که این حکومت در پی اعدامهای گسترده دنبال میکند، علیه جامعه با گستاخی و سرعت بیشتری تداوم پیدا کند.

این حکومت دستمزد و زندگی قریب به ۵۰ میلیون کارگر و خانواده کارگری و مزد بگیران زحمتکش را کاملا به گرو گرفته است، این حکومت بانی وجود ۶ میلیون بیکار و فاقد بیمه کارگری و محروم از همه امکانات است، عامل سازمانیافته تحمیل حداقل ۴ میلیون انسان مبتلا به اعتیاد است، مسئول مستقیم ۲ میلیون کودکان کار و خیابانی و بانی مرگ و خودکشی و فرار هزارها دختر و پسر نوجوان است، عامل تحمیل فضای قرون وسطایی و فقر و یاس و بی آینده بودن میلیونها انسان است که ماحصل آن خودکشی هرروزه ۴ تا ۵ نفر در ایران است، این حکومت ضد کارگری که هیچگاه کارگر را شهروند محترم و برابر به حساب نیاورده است مسئول مستقیم مرگ بیش از ۲۵۰۰ کارگر در محل کار در طول سال میباشد. رژیم است که حداقل ۹ میلیون نفر را از تحصیل و سواد آموزی تماما محروم کرده است، همواره مامور سرکوب و تحقیر و اعمال بی حقوقی زنان بوده است، محروم کردن میلیونها جوان از برخورداری از حداقل های زندگی انسانی و رفاه و تحصیل بخشی از سیاست و اهداف این رژیم بوده و هست، مسئول مستقیم ایجاد تفرقه های خرافی، ملی و مذهبی با هدف در مقابل هم قرار دادن مردم میباشد. دشمن مستقیم اکثریت مردم و حامی بدون چون و چرای یک مشت دزد، آخوند و روضه خوان بی خاصیت و عقیمانده، سرمایه داران زالو صفت و مشتکی مزدور و جنایتکار و انگل که زندگی و پولهای باد آورده شان نیز از قبل کار و درد و رنج کارگران و همین مردمی تامین میشود که همواره مورد سرکوب مستقیم و ستم و فشار و تحمیل فقر و گرسنگی و اعدام و شکنجه و زندان جمهوری ننگ اسلامی قرار گرفته اند. ماشین سرکوب و اعدام ابزار به سکوت کشاندن و بریدن زبان اعتراض به این همه جنایت و ستم و تحقیر و به قهقرا بردن جامعه ایران است.

علیه جنایت اعدام ...

مخالفت با اعدام امر مردم و طبقه و جنبشی است که آرمانش برابری انسانها و هدفش طرد کردن و منزوی کردن موافقین و عاملین آن و پایان دادن به نابرابری و سرکوب و استثمار است. مقابله با اعدام و پایان دادن به آن امر مهم این جنبشها و انسانهای آزادیخواه و بیشماری است که میتوانند متحدانه علیه آن به میدان بیایند.

با مجازات اعدام کردن هیچ جنایت و جرمی در جامعه کاهش نخواهد یافت، همچنانکه در ایران بیش از سه دهه جنایت و اعدام کردن های این حکومت هیچگاه منجر به کاهش جرم و جنایت و بزهکاری نشده است. بر عکس، با اجرا حکم اعدام از جانب دولت، که یک قتل عمد محسوب میشود، و تبدیل پدیده اعدام به نرم در جامعه، خشونت و جنایت و جرم و قتل بیش از پیش گسترش خواهد یافت، همچنانکه در ایران متأسفانه چنین شده است. شرارت و جنایت و توسل به قتل افراد از جانب بخشی از مردم مستقیماً ناشی از اعمال خشونت و آدمکشی دولت و انعکاسی از ماهیت و عملکرد نظامی است که بر پایه خشونت، کشتار، ظلم، فساد، جنایت، نابرابری و زورگویی به حاکمیت خود ادامه میدهد و خود را به مردم تحمیل کرده است.

هر فردی که از سر استیصال و بیماری و شرایط روانی و جنون آمیز و ناگهانی و تحت هر شرایطی به هر دلیلی مرتکب قتل و جرم میشود، نباید با "اعدام"، در واقع با قتل برنامه ریزی شده و آگاهانه متقابل دولت و قوه قضاییه آن پاسخ بگیرد. اگر دولتی مسئله اش واقعاً اجرای عدالت و کمک به تأمین جامعه مبتنی بر آسایش و رفاه شهروندان و پایان و یا کاهش دادن جرم و جنایت در جامعه باشد به جای اعمال خشونت به مراتب وحشتناکتر متقابل، راهای متعدد دیگری برای تنبیه یا اصلاح فرد مرتکب قتل و مجرم در نظر میگیرد. اما وقتی دولت و طبقه حاکمه بقا خود را در اعمال زور، اجرای اعدام و سرکوب و زندان مردم و مخالفین و ایجاد ترس مینماید، وقتی با نقشه و برنامه ریزی آگاهانه تدارک یک قتل عمد، در قالب جنایتکارانه "اعدام" رامیبیند و آنرا "عدالت" می نامد، هزار برابر مخربتر و جنایتکارانه تر از کسی عمل میکند که در موقعیت فردی دست به هولناکترین جنایتها میزند. انعکاس مخرب مجازات اعدام، و سنکسار و حلق آویز کردن مردم و نمایش دادن آن در ملا عام و درپیش چشم کودکان و جوانان نه تنها جامعه را بیمار میکند که عامل باز تولید و گسترش آگاهانه خشونت اجتماعی، انتقام و قتل و خونریزی و سنگدلی خواهد بود و حس و خصلت انسانی را در جامعه به شدت تضعیف میکند. پدیده مخربی که جمهوری اسلامی به درجه ای از این طریق به بخشی از مردم تزریق کرده است.

مجازات اعدام برای کیفر دادن قاتل نیست. اعدام ابزار هر طبقه و دولتی بوده که خواسته از مجرای اعدام مردم را به اطاعت خود در بیاورد، همیشه و در طول تاریخ چنین بوده است. هر نظامی که بیشتر با مردم بیگانه باشد، از مردم بیشتر بترسد، نظامی نباشد که باانتخاب آزادانه مردم سر کار آمده باشد، نظامی استبدادی، اسلامی و قرون وسطی باشد، بدون اعدام و ارعاب امکان حفظ قدرت و حاکمیتش را نخواهد داشت، جمهوری اسلامی سبمل چنین حاکمیت جنایتکار و منزوی و بی ربط به جامعه است. به همین دلیل مقام نخست آدمکشی و سطح اعدامها را در جهان نصیب خود کرده است. این حکومت با اعدام و قلدری، بطور هدفمند ترس و ارعاب را به جامعه تزریق میکند. این رژیم که خود مرکز تولید مواد مخدر است، عامل تجاوز اسلامی به دختر بچه ها است، عامل روانی کردن مردم است، عامل فقر و فساد و دزدی است، نباید پروپاگاند حول دلایل اعدام کردن هایش هیچ انسان شرافتمندی را متقاعد کرده و فریب بدهد. علاوه بر آن آمار اعدام های سیاسی در این حکومت در دنیا کم نظیر است. از جمله:

اعدام به خاطر بی خدا بودن، به خاطر سکس غیر مجاز، به خاطر مشروب خوردن، به خاطر کمونیست بودن و آزاد اندیشیدن و آزادانه عمل کردن، به خاطر به طنز کشیدن خدا و پیغمبر و رهبر شان، به خاطر همجنس باز بودن، به خاطر پاره کردن قرانشان، به خاطر مبارزه برای آزادی زن، به خاطر ایجاد تشکل کارگری



زانیار مرادی، لقمان مرادی و رامین حسین بناهی



واعتراض سیاسی راه انداختن و... در این حکومت جاری و "قانونی" است. در نتیجه نه تنها نباید پروپاگاند "اعدام" قاچاقچیان" و متجاوز کنندگان" و دیگر زمینه سازیهای این رژیم را قبول کرد که بر عکس با نفرت عمیق از هر شکلی از اعدام باید بر خورد کنیم و پایان لغو و پایان دادن به این مجازات ضد انسانی و توحش آفرینی جمهوری اسلامی بود.



سرنگونی کلیت این رژیم و همه جناحبندهای جنایتکار آن ممکن خواهد شد. اما گسترش اعتراض اجتماعی به پدیده جنایتکارانه اعدام، امر مهمی در این هدف غیر قابل گذشت میتواند باشد. اگر به میدان بیاییم میتوانیم این رژیم اعدام را افسار بزیم. اعدام یک پدیده هولناک و جنایتکارانه و ننگ آوراست. برای توقف آن متحدانه به میدان بیاییم!

(باز تکثیر بخشی از این مقاله به مناسبت ۱۰ اکتبر، سالروز مبارزه جهانی علیه جنایت اعدام. نسخه کامل این مقاله اولین بار در ۸ اسفند ۹۲ در نشریه کمونیست هفتگی شماره ۲۲۱ منتشر شده بود)



وظایف محوری جنبش ما، و نقش فعالان کارگری و سوسیالیست در این دوره

سلام زیجی

۶- واقعیت این است که جمهوری اسلامی را صرفاً با اعتراضات پراکنده و یا از کانال مبارزه وسیع "مدنی"، "حقوق بشری"، پروپاگاندا میدیائی و یا کار "آگاهگرانه" و مردم را در صف انتظار کشمکش های درونی رژیم نگاهداشتن و هر چهار سال یکبار به جدال "انتخاباتی" امیدوار نمودن را نمیتوان تضعیف کرد و به زیر کشید. این روند روند تضعیف خود ما بوده و هست. جمهوری اسلامی را فقط با زور، زور اعتراض و اعتصاب یکدست و گسترده کارگری و توده ای، همراه و همزمان با قیام مسلحانه توده ای گسترده که متکی است به هدف و نقشه روشن کمونیستی و آزادیخواهانه میتوان از سر راه برداشت.

۷- بر عکس برخی از خیالپردازان سیاسی چپ سرنگونی جمهوری اسلامی با خوشی و خرمی و "انقلاب مردم" تمام نخواهد شد، جهان افسارگسیخته که افراد مانند ترامپ در راسش قرار دارد، منطقه ای ویران شده جنگی در خاورمیانه، و بلاخره حاکمیت یک رژیم تروریست سناریو سیاهی و وجود بخش زیادی از اپوزسیون دست راستی، که دقیقاً رشد و قدرت گیری خود را در تحمیل سناریو های شبیه عراق و سوریه می بینند، مخاطره سناریو سیاه (خطرات تحمیل جنگ داخلی) یکی از خطرات جدی پیش روی ما است که باید با قدرت و صلابت سیاسی و اجتماعی آنرا رفع کرد، بدون اینکه اجازه بدهیم به این بهانه جامعه را با ترس و عقب نشینی و اداری نمایند.

۸- همچنانکه تاکید شد، به منظور به سرانجام رساندن مبارزه ۳۹ ساله طبقه کارگر، زنان و جوانان مترقی و سوسیالیست و برای دست یابی به امر سرنگونی انقلابی جمهوری جانیکار اسلامی و ساختن یک جامعه آزاد و برابر و مرفه، نیازمند تقویت فوری حزب ما و ایجاد احزاب مشابه سیاسی و سوسیالیستی انقلابی نوین و متعلق به این مبارزه و افق و استراتژی هستیم!

۹- کسب حمایت بین المللی نیروهای کمونیست، کارگری و افکار عمومی مترقی جهان به منظور میرمیت سرنگونی جمهوری اسلامی، حمایت از مبارزه ما، و تاکید بر عدم دخالت موزیان دولتهای غربی علیه مبارزه آزادیخواهانه، سوسیالیستی، کارگری یک وظیفه مبرم و یکی از ملزومات تسریع کننده در امر سرنگونی جمهوری اسلامی است.

۱۰- جنبش ما باید با تمام قدرت علیه سیاستهای ریاکارانه و ضد انقلابی امریکا و دیگر دولتها در بر خورد به ایران از جمله علیه تحریم اقتصادی، تحریکات و اقدام نظامی احتمالی و طرحها و سیاستهای ضد انقلابی "سرنگونی رژیم چنچی" که کل جریانات راست دنبالش هستند به ایستد. ما سیستم قومی و فدرالی نمی خواهیم، ما تکرار نظام ورشکسته شاهنشاهی را نمی خواهیم، ما هر شکلی از تلاش برای تبدیل ایران به سوریه و عراق کنونی را جنایت بزرگ ضد بشری می دانیم، ما هیچ شکل دیگری از قوانین و سیستم مذهبی را تحمل نمی کنیم، ما فقط برای آزادی و برابری و امنیت و رفاه همگانی و یک جامعه سوسیالیستی در ایران تلاش می کنیم. تامین و تحقق چنین آینده ای وظایف خطیر هر مبارز و کارگر و کمونیستی است!

ادامه

مدتی پیش در مقاله ای تحت عنوان "ملزومات و ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی" در نشریه "سوسیالیسم امروز"، حول این سوال اساسی نکاتی را تاکید کرده بودیم. در اینجا با طرح مجدد این پرسش لازم دیدم ضمن وارد کردن برخی اصلاحات جزئی، آنرا بازتکثیر نموده، و بدین مناسبت یکبار دیگر توجه علاقمندان به سرنوشت آینده جنبش طبقاتی مان، و توجه کلیه مبارزین راه آزادی و برابری به این وظایف و ملزومات سرنوشت ساز جلب میکنم:

۱- ضروری است که رهبران و فعالین جنبشهای اجتماعی رادیکال کارگری، زنان و جوانان در قامت صاحب جامعه ظاهر شده، با هم متحد و همصدا گردیده، و با ایجاد فوری تشکلهای توده ای مستقل از دولت به عنوان ابزارهای نبرد سیاسی و طبقاتی خلا بزرگ کنونی مبارزات جاری را رفع نمایند.

۲- رهبران و فعالین جنبش کارگری و کمونیستی بیش از پیش ضروری است از گذشته درس بگیرند. بر ایجاد حزب و صف مستقل و سوسیالیستی جنبش خودمان با قدرت پای فشاری کنیم. شعار "همه با هم"، یا هیاهوها حول "میهن"، و "سرزمین مادری"، و "خاک" و "فرهنگمان" ترفندهای واپسگرا صف بورژواها، پوپولیستها، عوامفریبان و ارتجاع علیه جنبش ما است. علیه مبارزه و جنبشی که میخواهد بدون این خرافات و شگردهای طبقه استثمارگر بر اصل آزادی و برابری و حقوق شهروندان تاکید نماید.

۳- علیه هر شکلی از نفرت و تفرقه قومی و مذهبی و هر جریانی که با پرچم قومی و مذهبی، ناسیونالیستی و شونیستی، از جمله با پرچم و اهداف ویرانگر "ملی"، "فدرالی"، "مشروطه" یا پادشاهی" و نوع دیگری از اسلام گرایی ضد انسانی خود را تعریف کرده و به تحرک در آمده اند باید قاطعانه و علناً به مقابله برخاست، اگر قرار است بعد از جمهوری جانی اسلامی به یک چاله سیاهتر نه افتیم.

۴- حزب کمونیستی کارگران و فعالین جنبشهای آزادیخواهی در بعد وسیع از نظر من حلقه کلیدی در تسریع روند سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و دست یابی به آزادی و سوسیالیسم است. در همین راستا، تامین رهبری کمونیستی و همزونی سوسیالیستی (نه چپ نمائی و ملی یا "مردم" گرایانه) در صحنه مبارزه سیاسی و طبقاتی ایران شرط اول به پیروزی رساندن روند سرنگونی جمهوری اسلامی با کمترین مخاطره و همچنین تنها پرچمی است که ایران بعد از جمهوری اسلامی مصادف خواهد شد با یک جامعه ای آزاد، برابر و مرفه و مدرن. در این راستا جنبش ما به احزاب سیاسی انقلابی و "حزب رهبر و سازمانده" نیاز مبرم دارد، و راه متفاوت تری از آنچه تا کنون تجربه ناکامیهایش را بارها تجربه نموده ایم باید پیمود.

۵- سازماندهی مخفیانه و مستقل میلیس مسلح توده ای در محل کار و زیست به عنوان ارکان توده ای- سوسیالیستی ارتش سرخ آزادی و بازوی مسلح کارگران برای دفاع از کارگران، آزادیهای سیاسی، امنیت اجتماعی و مقابله با عوامل جمهوری اسلامی و نیروهای سناریو سیاهی از میرمیت بسیار زیادی برخوردار است. پرهیز از این ضرورت استقبال از شکست در تحولات آینده است.

زنده باد آزادی، برابری، سوسیالیسم!

نشریه شنبه ها**منتشر میشود**

روزهای شنبه هر هفته نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه روزهای پنجشنبه هر هفته است.

موازین انتشار**مقالات در نشریه****سوسیالیسم امروز:**

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.
حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

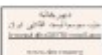
S_zijji@yahoo.se

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی کمک فوری خواهد کرد.



درخواست عضویت از حزب

**فرم ویژه درخواست عضویت در حزب سوسیالیست انقلابی ایران)**

نام :

نام خانوادگی :

محل سکونت :

شغل :

علل پیوستن به حزب :

سابقه فعالیت سیاسی :

در چه زمینه ای علاقمند به فعالیت هستید؟

آیا کسی را در صفوف حزب می شناسید؟

تلفن :

ای میل :

اینجانب با قبول برنامه، اساسنامه، سیاست و اهداف حزب سوسیالیست انقلابی ایران، از حزب درخواست عضویت می نمایم. متعهد میشوم که منظم به حزب حق عضویت پرداخت نموده و در راستای پیشبرد اهداف حزب بطور متشکل به فعالیت خود ادامه بدهم. به حراست از امنیت و موازین و پرنسیپهای حزب متعهد بوده، و اعلام میکنم که در جهت سیاستهای حزب برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و دستیابی به یک جامعه سوسیالیستی، آزاد، برابر و مرفه با تمام توان تلاش و مبارزه نمایم.
امضا...
تاریخ...

iransocialist2017@gmail.com

آدرس مایل ارسال
درخواست عضویت

www.simroz.org

وظایف محوری جنبش ما،

بدین ترتیب سرنگونی جمهوری اسلامی، سرنگونی که منجر به تکرار تاریخ تلخ دوره سال ۵۷ نباشد، نوعی از سرنگونی که در آن آزادی، برابری، کارگر، زن، جوان، کودک و در یک کلام انسانیت و سوسیالیسم پیروز گردد مستلزم تامین آن حداقلی است که مختصراً اشاره کردم. مهمترین وظیفه هر انسانی که آرزوی آزادی و برابری را دارد دقیقاً از همین طریق قابل تعریف خواهد بود.
ایجاد حزب سیاسی جدید سوسیالیستی و انقلابی را برای تحقق این امر مهم میخواستیم. داشتن یک حزب بزرگ، سیاسی، ملیت‌ناز و اهل عمل یکی از پیش شرطهای اولیه و مهم هر تحول انقلابی به نفع کارگران و جامعه است. تلاش برای تقویت آن و شکل دادن به ساختارها و همه سطوح فعالیت آن در سراسر کشور، با متانت و البته با تعجیل، وظیفه محوری و فوری همه ما در این دوره است.

اخراج و بیکارسازی موقوف!